

6485

۱۱۰۰

۱۱۰۰
۱۱۰۰
۱۱۰۰
۱۱۰۰

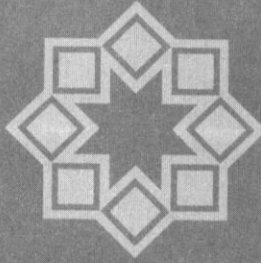


WWW.KETAB.BIR

مؤلف	شیخ محمد کاظم آخوند خراسانی
عنوان	تلخیص جامع نموداری کفایة الأصول (جلد اول)
تدوین	عبد الرحمن نجفی عمران
انتشارات	حقوق اسلامی
شمارگان	۱۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ	اول ۱۳۹۷
چاپ	معراج
قیمت	۲۸۰۰۰ تومان
مركز پخش: قم، خیابان ارم، پاساژ قدس، پلاک ۹۱	
تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۴۲۰۰	www.hoghogheislami.com



کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است. هرگونه برداشت جهت تهیه کتاب، جزوه، CD، فایل الکترونیکی، انتشار، بازنویسی، کپی، تکثیر، اسکن و PDF، عکس برداری و انتشار در فضای مجازی شرعاً و قانوناً مجاز نمی باشد و پیگرد قانونی دارد.



تلخیص جامع نموداری

کفایۃ الأصول

(جلد اول)

مؤلف: شیخ محمد کاظم آخوند خراسانی رحمۃ اللہ علیہ

تدوین: عبدالرحمن نجفی عمران



انتشارات حقوق اسلامی

فهرست مطالب

۷	بیشگفتار
۱۳	امر اول: موضوع علم، مسائل علم و موضوع علم اصول
۱۷	امر دوم: وضع
۲۱	امر سوم: استعمال لفظ در معنی مجازی
۲۵	امر چهارم: اطلاق لفظ و اراده نوع، صنف، مثل و شخص
۲۸	امر پنجم: موضوع له الفاظ
۳۰	امر ششم: وضع مرکبات
۳۱	امر هفتم: علانم حقیقت و مجاز
۳۵	امر هشتم: احوال لفظ
۴۳	امر نهم: حقیقت شرعیه
۴۵	امر دهم: صحیح و اعم
۵۹	امر یازدهم: اشتراک
۶۲	امر دوازدهم: استعمال لفظ در بیش از یک معنی
۷۰	امر سیزدهم: مشتق
۸۹	مقصد اول: اوامر
۹۴	فصل اول: ماده امر
۱۰۵	فصل دوم: صیغه امر
۱۲۱	فصل سوم: اجزاء
۱۳۲	فصل چهارم: مقدمه واجب
۱۴۳	فصل پنجم: تقسیمات واجب
۱۸۲	فصل ششم: اقتضاء الامر بالشیئی للنهی عن صده
۱۹۴	فصل هفتم: امر آمر با علم به انتفاء شرط آن
۱۹۶	فصل هشتم: تعلق احکام به طبایع یا افراد
۱۹۸	فصل نهم: نسخ الوجوب
۲۰۰	فصل دهم: واجب تعیینی و تخییری
۲۰۳	فصل یازدهم: واجب عینی و کفائی
۲۰۴	فصل دوازدهم: واجب موقت و غیر موقت
۲۰۶	فصل سیزدهم: امریه امریه شیء
۲۰۷	فصل چهاردهم: امریه شیء بعد الامریه قبل امثاله

۲۰۹	مقصد دوم: نواهی
۲۱۵	فصل اول: دلالت نهی
۲۱۸	فصل دوم: اجتماع امر و نهی
۲۳۷	تنبیها ت مسئله اجتماع امر و نهی
۲۵۲	فصل سوم: اقتضاء النهی للفساد
۲۶۱	مقصد سوم: مفاهیم
۲۶۹	فصل اول: مفهوم شرط
۲۷۳	تنبیها ت مفهوم شرط
۲۸۰	فصل دوم: مفهوم وصف
۲۸۴	فصل سوم: مفهوم غایت
۲۸۶	فصل چهارم: مفهوم استثناء
۲۹۰	فصل پنجم: مفهوم لقب و عدد
۲۹۳	مقصد چهارم: عام و خاص
۲۹۹	عام و خاص
۳۰۱	فصل اول: صیغ عموم
۳۰۳	فصل دوم: برخی صیغ دال بر عموم
۳۰۵	فصل سوم: حجیت عام مخصص در یاقی
۳۰۸	فصل چهارم: سرایت اجمال خاص به عام
۳۱۷	فصل پنجم: عمل به عام قبل از فحص از مخصص
۳۱۹	فصل ششم: شمول خطابات شفاهی برای غایبین از مجلس مخاطب
۳۲۷	فصل هفتم: ثمره عمومیت و شمول خطابات شفاهیه برای معدومین
۳۳۰	فصل هشتم: تعقب عام به ضمیر راجع به بعض افراد آن
۳۳۲	فصل نهم: تخصیص عام با مفهوم مخالف
۳۳۴	فصل دهم: استثناء متعقب عقیب جمل متعدده
۳۳۶	فصل یازدهم: تخصیص قرآن با خبر واحد
۳۳۹	فصل دوازدهم: صور تعارض عام و خاص
۳۴۲	فصل سیزدهم: نسخ
۳۴۴	فصل چهاردهم: بداء
۳۴۶	فصل پانزدهم: ثمره دوران امر عام و خاص بین نسخ و یا تخصیص
۳۴۷	نمونه سؤالات امتحانی حوزه علمیه

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي نور شجرة النبوة بأنوار الأئمة الهداة، وزين حقائق الولاية بازهار أسرار الكمّل الثقات، والصلاة والسلام على مظهر جوامع الكلم المسلسلات محمد وآله وعترة عيون المعارف العينية المخصصةات.

در تقسیمی دین مبین اسلام از سه بخش عقاید، احکام و اخلاق تشکیل شده و عقاید، همان باورهایی است که فکر و اندیشه انسان را نسبت به اموری نظیر مبدأ، معاد، نبوت، امامت و عدالت و صفات الهی تشکیل می‌دهد و بر مسلمان لازم است، به آن ایمان آورده و معتقد باشد، اخلاقیات نیز بایسته‌ها و نبایسته‌هایی را تشکیل می‌دهد که رعایت آن، سزاوار هر مسلمانی است و بخش احکام یا فروع دین، وظایف انسان در مقام عمل را تشکیل داده و بایدها و نبایدهایی است که لازم است انسان بدان عمل ورزد.

فهم و استنباط احکام، مقدمه عمل به آن است و انسان در زمان حضور امامان معصوم علیهم‌السلام از طریق مراجعه به امام علیه‌السلام و پرسش مسئله از وی، به حکم آن دست می‌یابد، ولی بسیاری از مسائل در زمان غیبت اتفاق می‌افتد که حکم آن از طریق کتاب و سنت بیان نشده و بر مجتهد لازم است به استنباط احکام مسئله نشست و از طریق اصول و قواعد کلی موجود در کتاب و سنت، حکم آن را به دست آورد، چنان‌که در روایاتی آمده است «عَلَيْنَا الْقَاءُ الْأُصُولِ وَعَلَيْكُمْ التَّفَرُّعُ»^۱.

علم فقه عهده دار مباحثی است که جهت استنباط احکام شرعی، از آن کمک گرفته می‌شود و اصول فقه، قواعد کلی واقع شونده در طریق استنباط را بیان می‌کند، از این رو بدون تسلط بر علم «اصول فقه» استنباط احکام و رسیدن به قله اجتهاد، امری نشدنی است.

اهمیت دانش اصول فقه از آن جهت است که چنین دانشی نظیر علم منطق است و همان گونه که بدون تسلط بر علم منطق، نمی توان به حل مشکلات علوم عقلی نشست و گره از معضلات آن گشود، بدون تسلط بر علم اصول فقه نیز نمی توان به استنباط احکام شرعی و تدبیر در متون نقلی دست یافت. یکی از کتبی که در اصول فقه نوشته شده و مدت ها کرسی درس عالی ترین سطح حوزه را به خود اختصاص داده است «کفایۃ الأصول» آخوند خراسانی رحمۃ اللہ علیہ است که در نوع خود بی نظیر است، از این رو شرح ها و حواشی مختلفی بر آن نوشته شده و بسیاری از اصولیین، کتاب مزبور را متن درس خارج خود قرار داده اند و در اطراف آن به دقت و تعمق نشسته اند و می توان گفت بدون تدبیر در اطراف کتاب مزبور، رسیدن به اجتهاد میسر نیست، بنابراین بر طلاب عزیز و دانشجویان رشته های مرتبط با فقه و اصول لازم است تمام تلاش خود را در فهم آن به کار گیرند و صرفاً به مطالعه جزوات درسی و قبولی در امتحانات و اخذ مدرک آن اکتفا نکنند، که چنین امری آسیبی جدی برای آینده حوزه و حوزویان، دانشگاه و دانشگاهیان به شمار می رود.

بر طلاب عزیز و دانشجویان گرامی لازم است در تمامی درس ها به خصوص کتاب کفایه، بذل جهد و تلاش نموده و به مطالعه عمیق آن بپردازند و در جهت فهم هر چه بیشتر آن، از تمامی امکانات کمک آموزشی از قبیل شرح، نوار، جزوه و... بهره گیرند ولی در عین حال بدان اکتفا نوزند.

حقیر برای آن که بتوانم خدمتی در جهت فهم کتاب مزبور ارائه کنم، پس از تدریس آن در مدرسی در شهر مقدس قم، نظیر موسسه امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ، مدرسه فیضیه، مدرسه امام کاظم علیه السلام و مدرسه آیت الله العظمی تبریزی رحمۃ اللہ علیہ و... به نگارش تدوین نموداری اقدام نموده ام که از ویژگی هایی برخوردار است نظیر:

- ا) شرحی روان بر تمام ابحاث کتاب کفایۃ الأصول است و از تمامی مطالب کتاب برخوردار هست.
- ب) مطالب کتاب به صورت پرسش و پاسخ ارائه شده و نوعی سهولت در یادگیری به شمار می رود.
- ج) در برخی از موارد که عبارت کتاب، مغلق بود، به شرح و توضیح آن پرداخته شده است.
- د) پس از چند دوره تدریس به مرحله تدوین درآمده، از این رو به نظر می رسد که مورد مذاقه قرار گرفته و اشکالات موجود در آن، در نهایت قلت باشد.

ه) در پایان هر قسمت، چکیده مطالب آن ذکر شده است که نوعی یادآوری مجدد است.

و) در پایان هر جلد از کتاب، به سؤالات امتحانی چند سال اخیر حوزه های علمیه پاسخ گفته شد.

از آنجایی که هر نوشته‌ای از اشکالاتی برخوردار است، از همه عزیزان خواستارم در صورت مشاهده هرگونه اشکالی، بر حقیر مَّتَّ نهاده و از باب «الْمُؤْمِنُ مِرَاةُ الْمُؤْمِنِ»^۱ آینه‌ای گردند که عیوب ما را بیان می‌کنند و آن را به ما هدیه دهند، تا در چاپ‌های بعدی کتاب، به رفع آن بپردازیم و اشکالات کمتری مشاهده گردد.

در پایان ثواب این مختصر را به ارواح طیبه حضرات ائمه معصومین علیهم‌السلام، فاطمه معصومه علیها‌السلام و استاد بزرگوارم حضرت آیت‌الله سید حسین موسوی آملی رحمته‌الله ریاست فقید حوزه علمیه ابوالحسن امیرالمؤمنین علیه‌السلام آمل، که حق بزرگی برگردن حقیر دارد و برایم پدری نموده است، هدیه نموده و از خداوند متعال، علو درجات آنان را خواستارم.

حوزه علمیه قم

عبدالرحمن نجفی عمران

۱۳۹۶/۵/۳۰



چکیده مطالب

- ❖ ۱. موضوع علم، همان چیزی است که درباره عوارض ذاتی آن (چیزی که به واسطه در عروض نیازی ندارد) در علم بحث می‌شود.
- ❖ ۲. موضوع علم با موضوعات مسائل آن از نظر مصداق خارجی متحد بوده و تنها از نظر مفهوم با یکدیگر اختلاف دارند.
- ❖ ۳. مجموعه قضایای پراکنده‌ای که اشتراک در هدف خاص آنان را کنار یکدیگر جمع‌آوری نمود، «مسائل علم» نام دارد.
- ❖ ۴. هرچند ممکن است برخی از علوم، در بعضی از مسائل، متحد بوده و با یکدیگر تداخل داشته باشند، ولی تداخل در تمام مسائل، محال است.
- ❖ ۵. تمایز علوم به سبب اختلاف اغراض و اهداف است.
- ❖ ۶. آنچه در مورد موضوع علم لازم است، آن هست که موضوع علم، کلی منطبق بر موضوعات مسائل باشد، تا نسبت بین موضوع علم و موضوعات مسائل آن، نسبت بین کلی طبیعی و افراد باشد، نه برخورداری از نام و عنوان خاص، از این رو موضوع علم، می‌تواند نام خاصی نداشته باشد.
- ❖ ۷. موضوع علم اصول، کلی منطبق بر موضوعات مسائل علم اصول است.
- ❖ ۸. علم اصول، صناعتی است که به سبب آن، قواعدی که ممکن است در طریق استنباط احکام شرعی واقع شده و یا در مقام عمل به آن مراجعه شود، شناخته می‌شود.
- ❖ ۹. وضع نوعی اختصاص لفظ به معنی و ارتباط خاص بین آن دواست.
- ❖ ۱۰. وضع بردن نوع است: (۱) وضع تعینی؛ وضع لغت بین لفظ و معنی، نوعی اختصاص ایجاد نماید و برای لفظ، معنایی خاص در نظر گیرد. (۲) وضع تعینی؛ ارتباط بین لفظ و معنی، که ناشی از کثرت استعمال لفظ در معنی باشد.

- ❖ ۱۱. اقسام وضع به لحاظ موضوع له، از نظر عقل: (۱) وضع عام و موضوع له عام، (۲) وضع خاص و موضوع له خاص، (۳) وضع عام و موضوع له خاص، (۴) وضع خاص و موضوع له عام.
- ❖ ۱۲. وضع خاص و موضوع له عام، امکان عقلی ندارد، زیرا معنای خاص و جزئی، هرگز نمی تواند حاکی از عام بوده و یا آن دسته از افراد عامی که لفظ شامل آن نمی گردد، را حکایت نماید.
- ❖ ۱۳. اقسام وضع به لحاظ موضوع له، در مقام واقع و ثبوت: (۱) وضع خاص و موضوع له خاص نظیر وضع اعلام شخصی، (۲) وضع عام و موضوع له عام نظیر وضع اسماء اجناس، (۳) وضع عام و موضوع له خاص.
- ❖ ۱۴. آخوند خراسانی رحمۃ اللہ علیہ منکرو قوع خارجی وضع عام و موضوع له خاص، است و هریک از وضع و موضوع له را در حروف، اسماء اشاره و موصولات را عام می دانند.
- ❖ ۱۵. هریک از وضع و موضوع له و مستعمل فیه در حروف، اسماء اشاره و موصولات عام است و خصوصیت معنی، ناشی از ناحیه استعمال است.
- ❖ ۱۶. اخباریت و انشائیت از شئون استعمال بوده و دخالتی در موضوع له و مستعمل فیه ندارد، از این رو اختلاف بین خبر و انشاء، به قصد متکلم برگشت دارد.
- ❖ ۱۷. وضع اسماء اشاره و ضمایر نظیر وضع حروف بوده و هریک از وضع، موضوع له و مستعمل فیه در آن، عام است و خصوصیت تنها از ناحیه استعمال نشئت می گیرد.
- ❖ ۱۸. استعمال لفظ در معنی مجازی، صحیح است و دلیل صحت آن نیز، طبع آدمی است.